

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی - کابل

۱۳ اگست ۲۰۲۲

انتقام "شبکه حقانی" از "حقانی"!

جمعه - ۲۱ اگست ۱۴۰۱ - کابل: از مهمترین خبر های امروز کشته شدن "مولوی غازی رحیم الله حقانی" در اثر یک عملیات انتحاری بود. هر چند انجام این عمل را مانند همیشه "داعش" به گردن گرفت مگر شواهد و اسناد نشان می دهد که این جنایت را "شبکه حقانی" در حق یک تن از جنایتکاران و نوکران سرسپرده "آی. اس. آی." انجام داده است. در یادداشت کنونی مکث مختصری در همین زمینه خواهیم داشت:

۱- این که تمام رهبری ملی و نظامی طالب، حتی کادرهای درجه دو و درجه سه آنها در پیوند مستقیم با "آی. اس. آی." و نوکر سرسپرده آنها هستند، بخشی از یک واقعیت زشت و ضد انقلابی است، قسمت دیگر این واقعیت سلسله مراتب و دوری و نزدیکی افراد طالب به "آی. اس. آی." می باشد. به عبارت دیگر، واقعیت این است که تمام رهبری و کادرهای نظامی و ملکی طالب نوکر و فرمانبردار "آی. اس. آی." می باشند، مگر تمام نوکران پاکستان و "آی. اس. آی." همه طالب نیستند و روابط آنها با دولت پاکستان و نهاد استخباراتی- امنیتی و نظامی آنها به اعتبار طالب قایم نشده است، بلکه به اعتبار فرد خودشان و بدون واسطه و رابطه طالب، در ارتباط مستقیم با "آی. اس. آی." هستند. "مولوی غازی رحیم الله حقانی" یکی از این افراد که از بالای سر طالب و در نهایت نظام ملاسالار مستقلاً و مستقیماً در خدمت "آی. اس. آی." قرار داشت و در واقع شاخک مورد اطمینان "آی. اس. آی." در بالای تشکیلات ملکی و نظامی طالب و نظام ملاسالار شمرده می شد..

۲- اهمیت نامبرده همین بس که نه تنها اجازه راه اندازی یک مدرسه مستقل در پشاور پاکستان را داشت و در آنجا در تمام مدت اقامتش در پاکستان محافظ و بادی گارد داشت، بلکه افراد و طلاب مدرسه اش را شخصاً به "آی. اس. آی." معرفی نموده، به همکاری یک دیگر انتحاری تربیت می نمودند.

"مولوی غازی رحیم الله حقانی" هر چند حقانی تخلص می نمود، مگر نه با خانواده "حقانی" روابط خونی داشت، نه با "شبکه حقانی" پیوند تشکیلاتی و نه هم معاشخورد "مدرسه حقانی" بود. بلکه مستقیماً در خدمت "آی. اس. آی." قرار داشته، از همان طریق بلاواسطه تمویل می گردید.

۳- زمانی که اداره حاکمیت مستعمراتی کابل به طالب سپرده شد، وی نیز از پشاور به کابل کوچیده مدرسه اش را در شهر کابل فعال ساخت. طالب و نظام ملاسالار در آغاز رسیدن به حاکمیت یعنی زمانی که عمران خان در قدرت قرار داشت و مناسبات شان با "فیض حمید" رئیس "آی. اس. آی." بسیار حسنه بود، چندین بار تلاش نمودند تا به نحوی

"مولوی رحیم الله حقانی" را نیز در قدرت سهیم بسازند، حتا آوازه هائی بود که وی را "لوی درستی" مقرر می نمایند، مگر این خواست طالب و نظام ملاسالار هم از طرف خود "مولوی رحیم الله حقانی" و هم از جانب "آی. اس. آی." رد شده، در عمل چنان نشان دادند که نامبرده می تواند زمانی به مثابه بدیل و جانشین حاکمیت کنونی، حاکمیت "آی. اس. آی." را در افغانستان تدوام ببخشد.

۴- در این اواخر که از یک سو "مولوی رحیم الله حقانی" صریحاً به انتقاد از طالب و نظام ملاسالار می پرداخت و سیاست های آنها را در قبال خلق محدودیت بالای زنان و مکاتب دخترانه با صراحت انتقاد می نمود و حتا با تکیه بر فهم دینی اش که تمام ملاها به وی "شیخ القرآن و شیخ الحدیث" لقب داده بودند، نظام ملاسالار را به بحث های اعتقادی دعوت می نمود، از طرف دیگر مناسبات بین طالب و نظام ملاسالار با "آی. اس. آی." و دولت پاکستان تحت تأثیر تحولات اداری-سیاسی در پاکستان به گرمی سابق نمانده بود و از همه مهمتر قتل "ایمن الظواهری" به وسیله امریکا و چند تن از اعضای "تحریک طالبان پاکستان" به وسیله ارتش پاکستان، روابط بین نظام ملاسالار و "آی. اس. آی." را به هم زده بود و در هر دو مورد، "مولوی رحیم الله حقانی" و روابطش متهم شده بودند که گویا وی از طریق همکاری با "آی. اس. آی." زمینه ساز آن عملیات ها شده بود، می شد حدس زد که وقت "مولوی رحیم الله حقانی" تمام شده دیر یا زود طالب وی را نزد قربانیان خودش می فرستد. این حدس و گمان زمانی که بزرگترین حامی اش یعنی جنرال "فیض حمید" از قومندانی قول اردوی پشاور کنار گذاشته شد، تقریباً قریب به یقین شده بود. چنانچه فقط سه روز بعد از این انتقال، "مولوی رحیم الله حقانی" به قتل رسید.

۵- از آنجائی که کاربرد کلمه "غازی" از منظر فقه اسلامی فقط به آنهایی اطلاق می گردد که یا کافر را حین جهاد به قتل رسانده باشد و یا هم متحدان کافران را، متوجه هستیم که علی رغم آن که دست تمام رهبران طالب به خون فرزندان خلق ما آغشته است، مگر هیچ یک را غازی خطاب نمی نمایند. زیرا نفس کاربرد کلمه "غازی" در حقیقت متهم ساختن فرد به کشتن امریکائی ها و شرکاء می باشد.

"مولوی رحیم الله حقانی" بین تمام ملاها تنها کسی بود که وقتی معرفی می شد، طرفداران و شاگردانش چه در پاکستان و چه در افغانستان وی را "غازی" صدا می نمودند.

هموطنان گرامی!

هرچند ظاهراً باز هم "داعش" به سیاق گذشته در زمان حاکمیت ساقط شده پوشالی مسؤلیت انجام این عمل را به دوش گرفته، مگر شناختی که شخص "مولوی حقانی" از "داعش" و "داعشیان" داشت و محافظانش که همه کارمندان کارکشته "آی. اس. آی." بودند، احتمال این که واقعاً "داعشی" در افغانستان وجود داشته باشد و بیاید "مولوی انتحاری پرور" را به قتل برساند آنقدر کم است که می شود گفت کاملاً منتفی است.

خلاف چنین ادعائی از آن جائی که افراد داعش از مهمانان "جناب رئیس" به مهمانان جناب "وزیر حقانی" مبدل شده اند، مسلم است که این قتل انتقامیست که "شبکه حقانی" از "آی. اس. آی." گرفته است. و چون زورش به خر نرسیده به پالانش زده است. این یعنی دعای "پروردگارا، ظالمان را با ظالمان مشغول بساز" مستجاب شده است و جنگ قدرت بین آحاد طالب وارد فاز تصفیه فزینیکی یک دیگر شان شده است.

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!